

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ



اساسنامه

اتحاد اسلامي افغانستان



بنیاد افغانیسه
۱۳۷۱



وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ



اساسنامه

اتحاد اسلامي افغانستان

تصويب

۱۸ رمضان المبارک ۱۴۰۷ھ — ق

۲۶ ثور ۱۳۶۶ھ — ش

۱۶ می ۱۹۸۷م

AFGHANISTAN CENTRE AT KABUL UNIVERSITY



3 ACKU 00044659 0

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا
عدوان إلا على الظالمين والصلوة والسلام
على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين
وعلى من إهتدى بهديه إلى يوم الدين أما
بعد :

فقد قال الله سبحانه وتعالى في كتابه
الكريم « وعد الله الذين آمنوا منكم
وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض
كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن
لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من

بعد خوفهم أماً يعبدونني لا يُشركون بي
شيئاً ومن كفر بعد ذلك فأولئك هم
الفاسقون»

مسلمانان مخلص وعلماء بادرک افغانستان در طول
تاریخ واجب دعوت وجهاد را بصورت فردی
و گروهی در حدود وسع و توان خود اداء نموده اند و بعد
از اینکه دموکراسی غربی و ضد اسلامی نظام فاسد
ظاهر شاه در سال ۱۳۴۴ زمینه را فقط و فقط برای
تبارز احزاب و گروه های کفری و الحادی مساعد
ساخت از همان وقت به بعد مسلمانان آگاه و با فهم
ملت در صدد آن شدند تا از یکطرف در برابر ظلم
و فساد نظام های حاکم وقت قرار گرفته و از طرف
دیگر جلوی پیشرفت و انتشار اتجاهات لا دینی را
گرفته و به احیای آن بپردازند .



ما جماعتی از مسلمانان هستیم که از همان وقت به این طرف در مجال دعوت بسوی الله « ج » به منظور قائم نمودن خلافت به نهج خلفای راشدین^{رض} به کار خود آغاز نموده ایم جماعت ما از ابتداء تا حال چه در چوکات تنظیم جوانان مسلمان و چه در ساحه علمای مخلص و مسلمانان بادرک کشور تحت عناوین اسلامی دیگر خط اصیل اسلامی را تعقیب نموده و در طول این مدت در مواجهه و برخورد مباشر با جریانات کفری و الحادی و نظامهای حامی و پشتیبان آن قرار داشته و در مسیر آزمون های مقدر با تحمل صدها مشکل و تکلیف از عقبات و موانع طاقت فرسا که جزء طبیعت این راه است عبور نموده و راه خود بسوی منزل مقصود پیموده است جماعت ما که فعلاً بخش عمده از اعباء و تکالیف این جهاد را بردوش دارد به منظور حفظ سلامت

اهداف و اصالت جهاد راه سالم و مستقیم را به پیش گرفته و به ارتباط قضایای مصیری و سرنوشت ساز افغانستان از مواقف رجولی متناسب با قداست این جهاد بهر مند است فرزندان مؤمن این جماعت که فعلاً به عنوان اتحاد اسلامی افغانستان در این تنظیم با هم گرد آمده اند بنابر درك عمیق مسؤولیت در برابر دین ، جهاد و سرزمین اسلامی خویش و بنابر فهم و آگاهی و برداشت که از تعالیم زندگی ساز اسلام دارند همه تشنه وحدت ملت و وحدت امت بوده تفرق و پراگندگی را بزرگترین عامل تأخر نصر و پیروزی میدانند اتحاد اسلامی افغانستان در حالیکه به تلاش های مستمر و خستگی ناپذیر خود در جهت وحدت فرزندان مخلص جهاد و وحدت امت مسلمه کوشا است جهاد مسلحانه و مبارزه حقه خود را در برابر باطل در روشنی

اهداف، اصول و مبادی که درج این اساسنامه است
به امید پیروزی اسلام و به آرزوی حاکمیت قرآن
و اقامه نظام راشد اسلامی به پیش میبرند .

مواد عمومی

- ۱ - نام تنظیم ما اتحاد اسلامی افغانستان است .
- ۲ - غایه ما حصول رضای الله « ج » از راه
اخلاص به ذات اقدس وی و متابعت درست از
کتاب الله « ج » و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه
و سلم است .
- ۳ - عقیده ما عقیده اهل سنت و جماعت است به
همان کیفیتیکه سلف صالح ما آن را فهمیده بودند .
- ۴ - حکم از آن خدا است .
- ۵ - دستور ما قرآن است ما همه مقررات و قوانین
خود را در فروغ کتاب الله و سنت نبوی صلی الله
علیه و سلم میسازیم و در آن چه نص صریح موجود

نبوده و مربوط به مسائل اجتهادی باشد از فقه حنفی در آن متابعت میکنیم .

۶ - فهم ما در مورد اسلام از يك زاویهء معین نه بلکه فهم ما شامل همهء جانبهاست چنان فهمیکه علماء آگاه و ثقه امت ، آن علمائیکه از سنت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و سنت خلفاء راشدین پیروی کرده اند ، از آن بهره مند بودند .

۷ - راه ما دعوت « امر به معروف و نهی از منکر » و جهاد در راه الله « ج » است ، البته ما این راه را از خلال چنان گروه منظمی تعقیب میکنیم که بضوابط شرع شریف منقاد بوده و از سازش برکنار و از تجارب گذشتگان این راه استفاده کند .

۸ - هدف ما درین دوجمله ذیل خلاصه میشود :

الف : داخل نمودن مردم به بندگی الله

« ج » که پروردگار همه است .

ب : قائم کردن خلافت اسلامی (به
نهج خلفای راشدین^{رض}) در روی زمین . و همچنان
میتوان اهداف خود را بعبارت دیگر بدو بخش آتی
توضیح کنیم :

اهداف خصوصی - اهداف عمومی

اهداف خصوصی ما عبارت است از :

- الف : تربیهء فرد مسلمان .
- ب : تربیهء فامیل مسلمان .
- ج : تکوین جامعهء اسلامی .
- د : بمیان آوردن نظام (خلافت) اسلامی .
- هـ : توحید امت مسلمه .
- و : استرداد همه اراضی مغضوبهء مسلمانان .

اهداف عمومی ما عبارت است از :

- الف : تبلیغ دعوت اسلام در سراسر جهان .
- ب : رهبری امر به معروف و نهی از منکر .

ج : اخراج مردم از بندگی بندگان بسوی بندگی
خداوند واحد ولا شريك (ج) .

د : ازاله فتنه از روی زمین .

هـ : فتح اماکن معینه دنیا مطابق اخبار حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وسلم .

و : جهاد با کفار تا آنکه به اهداف دعوت تسلیم
شوند .

۹ - توشهء ما درین راه دانش و تقوی — یقین
و توکل — شکر و صبر — زهد در دنیا و ترجیح دادن
آخرت است .

۱۰ - دوستی و ولای ما به الله « ج » ، با پیغمبر
صلی الله علیه وسلم و با مؤمنان است .

۱۱ - دشمنی ما با ملحدین ، مشرکین ، کفار
منافقین ، ظالمان و سائر دشمنان اسلام است .
اسلوب ما در دعوت و حکمت ، موعظه حسنه



مجادله به شیوه نیک و جهاد است .

۱۲ — دید ما عالمی است ، چه دعوت ما جهانی بوده درچوکات محدود زمان و مکان و مرزهای جغرافیائی ، زبان و قوم خلاصه شده نمیتواند .

۱۳ — اخوت ، تضامن و تعاون بین تمام مسلمانان

امر واجب بوده ، اصلی از اصول تنظیم ما شمرده میشود .

۱۴ — ما طبق فرموده قرآن ایمان داریم که امت مسلمه يك امت بوده تعدد قبیله ها و وسعت دیار و اقطار مسلمانان را از دائره امت واحد بیرون کرده نمی تواند و ما تلاش داریم تا کشور و دولت شان نیز یکی شود .

۱۵ — اساس پیوند مسلمانان با همدیگر و بالخاصه منسوبین این تنظیم روحی و معنوی بوده از امور مادی متأثر نمیگردد .

۱۶ - اجر ما در نزد خدا است ما در دنیا از کسی توقع پاداش را نداریم .

۱۷ - اهلیت « تقوی » و کفایت مدار اصلی
توظیف بوده مناصب اجرای امور را تشریف نه بلکه
تکلیف میدانیم .

۱۸ - در تزکیه و شهادت در مورد دوست و دشمن
خدا را حاضر دانسته عدالت و انصاف را مرعی
میداریم .

۱۹ - تعمیم فهم شامل اسلامی از وظایف عمده و
تنظیم ما بوده احیای معاشرت اسلامی و تربیه و
اخلاق و ایجاد روحیه التزام را از جمله ضروریات
تنظیم میدانیم .

۲۰ - افراد این تنظیم علاوه بر آنکه خود را به
شیوه دعا عیار میسازند هر فرد آن جنبی از جنود
متعهد و آماده و سنگر جهادی باشد و جهاد را

فريضه مستمر تا روز قیامت دانسته و یقین دارند که دعوت توسط آن تقویه شده و راه بروی آن باز میگردد .

۲۱- شورئ به حیث یکی از اصول عمدهء نظام اسلامی حیثیت ستون فقرات تنظیم مارا دارد .

۲۲- برای اداره و پیشبرد بهتر امور ارگانهای اداری ذیل وظایف مربوطه را انجام می نمایند :

الف - جماعت مسلمانان .

ب - شورای ارکان .

ج - شورای عالی .

د - شورای قیادی .

هـ - مقام امارت .

و - معاون امیر .

ی - ۱- ریاست دارالتحریر ۲- ریاست عدل

وافتاء ۳- ریاست مالی وخدمات ۴- ریاست

- دعوت و ارشاد ۵ - ریاست قرارگاه جند -
- ۶ - ریاست امور سیاسی ۷ - ریاست تعلیم و تربیه ۸
- ۹ - ریاست فرهنگی ۹ - ریاست نماینده گی ها
- ۱۰ - ریاست مهاجرین ۱۱ - ریاست صحیه
- ۱۲ - ریاست امنیت .

۲۳ - اصل مکافات و مجازات در تنظیم ما مرعی
الاجراء میباشد .

جماعت مسلمانان

درمورد جماعت مسلمانان باید گفت: قول راجح
بر آن است که جماعت مسلمانان گروه اهل عقد
و حمل است که برامیری اتفاق نموده و امت از آنها
پیروی میکند ، گرچه منظور از جماعت مسلمانان
سواد اعظم مسلمین است ، و بعضی آنرا جماعت



علماء مجتهدین گفته است لاکن گنجایش این همه مفاهیم در تعریف فوق بدین ترتیب امکان دارد که سواد اعظم امت بخاطر تسهیل امور نخبه و از مثیلین خود را که دارای مشخصات معین اسلامی بوده و از فهم و بصیرت خاص و از تقوی و رجولیت صحیح بهر مند باشند انتخاب می نمایند تا آنها به نیابت از امت و سواد اعظم به انتخاب امیر بپردازند . البته جماعت مسلمانان به تعبیر دیگر همان جماعتی را میگویند که در مورد همه امت به نمایندگی از امت يك امیر واحد را تعیین میکنند .

و این امر امروز بدسترس ما قرار ندارد بدین ملحوظ ما خود را بعوض جماعت مسلمانان جماعتی از مسلمانان می نامیم . آری ما گروهی از مسلمانان هستیم که افراد مربوط بخود را تنظیم نموده و ازین راه در ضمن اهداف اسلامی دیگر در جهت تکوین

و به میان آمدن جماعت مسلمانان نیز می‌تسیم فعلاً
 به ارتباط تنظیم ما جماعتیکه از همه افراد تنظیم
 نمایندگی بکنند و دارای مواصفات مشخص
 اسلامی باشد ما آنرا شورای ارکان می‌نامیم . پس
 حلقه‌ئی که در تنظیم ما وظیفه و گروه اهل عقد
 و حل را باید به عهده بگیرد ، شورای ارکان است .
 برای چگونگی تعیین اعضای شورای ارکان
 (لایحه و جداگانه وجود دارد) که در پرتو آن توسط
 هیئت طبق مواصفات از بین افراد تنظیم انتخاب
 میگردند .

مواصفات اعضای شورای ارکان

- ۱ - عدالت با شروط پنجگانه - اسلام ، عقل
 بلوغ ، حریت و ذکورت .
- ۲ - فهم به کتاب و سنت به درجه و معرفت

مكلفیت های اسلامی و ضرورات دین و تمیز بین
حلال و حرام و شناخت روح عمومی اسلام و داشتن
تصور عام در مورد نظام اسلامی و اهداف دعوت
و جهاد و تحلیل اوضاع محیط بر جهاد و بصیرت عام
در قضایای بین المللی .

۳- تقوی به درجهء اجتناب از کبائر و عدم اصرار
بر صغائر .

۴- التزام به فرائض و واجبات ، و متابعت سنت
و ممارست مستحبات .

۵- صدق و راستی .

۶- التزام به ضوابط تحریک .

۷- سابقه کار در دعوت و جهاد حد اقل نه سال^(۹) .

۸- اخلاص و ارتباط به آخرت و سلامت قلب
از ریاء و حب جاه و منصب .

۹- وفای عهد .

- ۱۰ — انصاف در قضاوت در مورد خود و دیگران .
- ۱۱ — اقتصاد و اعتدال در امور و گوشه بودن از افراط و تفریط .
- ۱۲ — نشاط و حیویت و تحرک ذهنی و جسمی .
- ۱۳ — روح ایثار و توضیحیه .
- ۱۴ — جدل دوستی و آشتی برای خود نداشته (معجب برای و نظر خود نباشد) .
- ۱۵ — کتمان سرو پختگی در کار داشته باشد .
- ۱۶ — سابقه و نامطلوب نداشته باشد .
- ۱۷ — ارتباط تنظیمی با گروه های غیر اسلامی بر آن ثابت نباشد .
- ۱۸ — ولاء به الله جل جلاله ، به حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و در راه خدا به امیر و تنظیم خود و سایر مؤمنین داشته باشد .
- ۱۹ — بعد از اعتماد بر خداوند جل جلاله اعتماد

وثقه بر نفس خود داشته باشد .

۲۰ - از جهان بینی وافق دید وسیع اسلامی
بهرمند بوده و با عالی بودن اسلام ایمان داشته باشد .

۲۱ - عفت زبان و قلم داشته باشد

۲۲ - انسان باعزم و متوکل باشد .

۲۳ - انسان صابر و شکیبیا باشد .

۲۴ - شجاعت و مرادنگی داشته ، در حق جری
واز جبن و تهور اجتناب بورزد .

۲۵ - در چوکات شریعت ، انسان مطیع و فرمان
بردار باشد .

۲۶ - ثبات و استقامت داشته و از تزلزل و اهتزاز
دوری جوید .

۲۷ - بصورت عموم ارکان بیعت در زندگی اش
متمثل باشد .

۲۸ - در جهاد مسلحانه اشتراك کرده باشد .

وظایف و صلاحیت های شورای ارکان

- ۱- انتخاب امیرتنظیم که از طرف شورای عالی به اکثریت دوثلث آن از بین اعضای خود به شورای ارکان پیشنهاد مینماید .
- ۲- اتخاذ قرار راجع به صلح و جنگ .
- ۳- انتخاب اعضای شورای عالی .
- ۴- اتخاذ تصمیم در قضایای مصیری و سرنوشت ساز، مانند انحلال تنظیم یکباشدن با گروه های اسلامی دیگر و طرز تشکیل حکومت و امثال آن .
- ۵- عزل امیر بعد از تصویب شورای عالی با کثرت دوثلث تمام اعضای آن .

شورای عالی

شوری اصل عمده از اصول حکم در اسلام بوده و تکوین آن در هر جا و هر وقت از واجبات

حکام مسلمین است . امر خداوند کریم جلت
عظمته و عمل کرد پیغمبر با عظمت اسلام — صلی
الله علیه وآله وسلم و یاران با صفایش برین اصل
تأکید مینماید .

علاوه بر آن شوری يك خصوصیت و خصلت فطرت
انسانی بوده احتمالات وقوع در خطاء في الرأى
را کم میسازد و باعث تلافي نقص در تحلیل و تفکر
انسانی میگردد .

بخاطر علو مقام شوری و اهمیت و ارزندگی
خاص این اصل و رول آن در ساختمان يك
جامعهٔ بیپایستادهٔ اسلامی ، مواصفات اسلامی
خاص بخاطر مستحق بودن عضویت در شوری
در نظر گرفته می شود و چون تعداد اعضای شورای
عالی بخاطر سهولت در امر گرفتن مشوره و آسانی
در اتخاذ قرارات محدودتر است ازین روی تعداد محدود

از بین شورای ارکان انتخاب می‌گردد و ازینجاست که توفر مواصفات عضویت شورای ارکان در آنها امر بدیهی بوده و علاوه بر آن مواصفات ذیل را نیز داشته باشد .

۱- در مواصفات ذکر شده در مورد شورای ارکان در بین اعضای شورای ارکان رجحان و برتری داشته باشد :

۲- صفحهء تاریخ زند گى شان با خداوند جلّت عظمته و با خلق خداوند « ج » صاف باشد .

۳- علم بیشتر بکتاب و سنت و آنچه فهم کتاب و سنت را، مانند علوم لغت و تفسیر و علوم روایت، آسان می سازد داشته باشد .

۴- عقل، درك، حکمت و تجربهء کافی داشته افق معلوماتش وسیع تر باشد .



۵ متواضع و بردبار بوده ، حس برتری جویی بر مردم نداشته باشد .

۶ - به فرمان واحکام خداوند « ج » اهتمام خاص داشته حیثیت حارس و نگهبان آن را داشته باشد .

۷ - بر علاوه قیام به فرایض و وجائب و متابعت از سنت ، از مستحبات نیز اکثار نماید .

۸ - علاوه بر اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صفات از امور مکروه و خلاف مروت دوری بجوید .

۹ - از تشاؤم اجتناب ورزیده و از تفاؤل و خوش بینی های خارج از حد دوری جوید .

۱۰ - در رشتهء مشخصیکه از وی مشوره خواسته میشود معلومات بخصوص و مطالعهء متمر داشته باشد .

۱۱ - در انتخاب اعضای شوری مسئله: لکل فن رجال، در نظر گرفته میشود .

۱۲ - پشت کار درست و صحیح داشته و در عرض راه احساس ماندگی نکند .

وظایف و صلاحیت های شورای عالی

۱ - وضع اساس نامه ، پالیسی ، قوانین و مقررات طبق مبادی شریعت اسلامی .

۲ - تثبیت خط مشی داخلی و خارجی تنظیم .

۳ - اعطای رأی اعتماد به اعضای مجلس قیادی که از طرف امیرپیشنهاد میگردد .

تبصره : هرگاه پیشنهاد امیر در مورد انتخاب رئیس یکی از ریاست ها برای دو مرتبه به تصویب نرسد شورای عالی حق دارد رئیس ریاست مورد بحث را خود انتخاب نماید .

- ۴- تصویب بودجه و مصارف مالی تنظیم .
- ۵- نظارت بر امور ارگانهای تنفیذی تنظیم از طریق کمیسیونها .
- ۶- استیضاح واستجواب مجلس قیادی و یا یکی از ارگانهای تنفیذی .
- ۷- تعدیل و الغای قوانین ومقررات درموارد لازم .
- ۸- سلب اعتماد از مجلس قیادی و یا یکی از اعضای آن درصورت لزوم دید به اکثریت دوثلث همه اعضای شوری .
- ۹- درصورت لزوم دید پیشنهاد عزل امیربه شورای ارکان به اکثریت دوثلث همه اعضاء .
- ۱۰- پیشنهاد نصب امیربه شورای ارکان .
- ۱۱- تقیید صلاحیت های امیرومجلس قیادی در روشنی شریعت غرای محمدی (ص) .
- ۱۲- اتخاذقرارات مناسب جهت بهبود امورتنظیم .

- ۱۳- وضع مقررات مالی و نظامی تنظیم .
- ۱۴- تصویب هیكل عمومی تنظیم بعد از پیشنهاد مجلس قیادی .
- ۱۵- تصویب پیشنهاد امیر اتحاد به ارتباط رئیس حوزهء جنوب غرب .
- ۱۶- تصویب پیشنهادات امیر با ارتباط تعیین آمرین ولایات و معاونین کمیته ها .
- ۱۷- تأسیس مؤسسات و هیئت های مستقل خارج از ریاست ها .
- ۱۸- تعیین صلاحیت های مالی و نظامی امیر .
- ۱۹- مقام امارت و مجلس قیادی نزد این شوری از
- تنفید و تطبیق مقررات، پالیسی و خط مشی تنظیم مسئولیت تام دارد .
- ۲۰- غیر از مواردیکه شریعت آنرا استثناء کرده

باشد در همه موارد تصمیم و تصویب شورای عالی نافذ است .

مجلس قیادی

مجلس قیادی متکون است از :

الف : امیر .

ب : معاون امیر .

ج : رؤسای ارگانها .

د : شخصیت های مهم دیگر دعوت و جهاد که حد اکثر آن از پنج نفر تجاوز نکند .

وظایف و صلاحیت های مجلس قیادی

این مجلس به پیشنهاد امیر و فیصله شورای عالی تأسیس میگردد ، اعضای آن در مواصفات ذکر شده شورای عالی برارزندگی خاص میداشته باشد

علاوه بران منسوبین تنظیم براساس تجارب گذشته
وسابقهء کارشان درمورد فهم ، نشاط ، تقوی
اهلیت و کفایت کار آنها مطمئن می باشد
ووظایف ذیل را به عهده دارند :

- ۱- توجیه و رهبری بالفعل تنظیم .
- ۲- تنفیذ تصاویب شورای عالی، وضع سیستم بهتر
و روش مفیدتر اجرای امور تنظیم .
- ۳- تکوین ادارات وارگانها بخاطر پیشبرد امور
مربوط به تنظیم .
- ۴- تثبیت ضروریات ولایات و مراکز جهادی به
ارتباط اسلحه و مهمات و مصارف نقدی و مواد
لوزستیکی .
- ۵- تصویب پیشنهادات رؤسای ارگانها درمورد
اعضای شوری های آنها .
- ۶- تصویب ارتباطات و قراردادهای باحکومات

وهیئت ها در روشنی و پالیسی و تنظیم .

۸ — تثبیت بودجه و ریاست ها و سائر مصارف فوق

العاده و تنظیم .

۹ — کنترل و اشراف بر امور روزمره و ریاست ها .

۱۰ — تثبیت قرارگاه ها ، قطعات و مؤسسات

عسکری جهاد که از طرف ریاست مربوط پیشنهاد
میگردد .

۱۱ — تصویب پیشنهاد ریاست مربوطه در مورد
تعیین نمایندگان سیاسی تنظیم .

۱۲ — تصویب پیشنهاد امیر یا ارتباط انتخاب

اعضای شورای اجرائیه و حوزه و جنوب غرب .

۱۳ — تثبیت طریقه و کار و حدود صلاحیت هر
ریاست .

۱۴ - عدم اشتغال اعضای شورای قیادی
بوظائفیکه سبب رکود در امور محوله و یا منافی آن
باشد .

امارت

امارت یکی از ضرورت های مهم حیات اسلامی
بشمار میرود . بسا فرض های عین و فرضهای
کفائی بدون موجودیت آن متحقق شده نمیتواند . ابو
سعید خدری و ابوهریره رضی الله عنهما هر دو از
پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت میکنند که فرموده
است :

« إذا خرج ثلاثة في سفر فليؤمروا أحدهم »
هرگاه سه نفر در سفر برآیند باید از بین خود یکی را
امیر سازند . و چون وظیفهء امیر بسا مهم و خطیر
است لذا در انتخاب وی باید از دقت تام کار



گرفته کسی انتخاب گردد که امانت را ضائع
نسازد . این تکلیف در ذات خود امانت است .
همان امانت که نظربه ارشاد آیه مبارکه :
« إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض
..... الآية »

آسمانها وزمین و کوه ها از حمل و برداشتن آن
اظهار عجز و ناتوانی کرده اند از همین جاست که
پیغمبر صلی الله علیه وسلم ضیاع امانت را که در
نتیجه آن انتخاب نادرست امیر به میان می آید
علامه از علائم قیامت دانسته — بهر صورت از
آنجائیکه حیات اسلامی و حتی حیات اجتماعی
بر آن متوقف است و از آنجائیکه دقت در انتخاب
آن سر آغاز خیر، بهبود و صلاح بوده و اهتمام به آن
جامعه را از خطر سقوط و انهیار نگاه میدارد بناءً
علاوه از مواصفات مجلس قیادی مواصفات ذیل

در شخص امیر ضروری دانسته میشود .
البته توفّر این مواصفات در عصر و محیط ما به طور
نسبی در نظر گرفته خواهد شد .

۱ - عدالت با شروط پنجگانه - اسلام ، عقل بلوغ
حریت ذکورت . منظور از عقل در اقوال علماء
همان ملکهء مدرکه است که فهم تکلیف توسط آن
میسر میشود . و علاوه بر آن عقلی که در امیر باید
موجود بوده فقط همان عقل نیست که ویرا از جنون
بیرون کشیده و فهم تکلیف را میسر می سازد بلکه
مراد از آن عقلیت استجابت و إقامة تکلیف است
و کسی که تکلیف ربانی را بجانی آورد عاقل گفته
نمی شود خداوند جلت عظمته می فرماید « وقالوا
لو کنّا نسمع او نعقل ما کنّا فی أصحاب
السعیر » در جای دیگر می فرماید « إنّما یتذکر
اولوالالباب الذین یوفون بعهد الله ولا ینقضون

الميثاق « چنانچه عقل مشروط در امیر تجربه —
تدبیر — کثرت مطالعه — سرعت فهم — ذكاء تند
..... و غیره را نیز شامل است .

۲ — امیر باید عالم باشد و علمش در کتاب و سنت
و در علوم قرآن و سنت و در زبان عربی، در اسرار
و لطائف آن و در اصول شریعت و اصول استنباط به
درجه باشد که باوی در امر معرفت حکم به
ارتباط نوازل و احداث یاری کند .

۳ — امیر باید شجاع باشد . و پیغمبر صلی الله علیه
و سلم شجاع ترین انسان تاریخ و صاحب قلب قوی
بوده و اقامهء حدود — تطبیق احکام — کنترل
اصحاب هوک — و ادارهء ملک به شجاعت فوق العاده
ضرورت دارد .

۴ — امیرباید عقیف باشد — زبان باعفت دست
عقیف ونفس عقیف داشته — طمع ومیلان بسوی
دنیا و بسوی آنچه نزد مردم است نداشته باشد .

۵ — امیرباید جواد و کریم باشد امام غزالی^۲ در تعین
حدود جود و کرم می گوید که امساک در وقتیکه
ضرورت به بذل و صرف موجود باشد بخل است .
و صرف کردن در وقتیکه ضرورت امساک مطرح
باشد تبذیر است و در بین این دو حالت راه اعتدال
وجود دارد که جود نامیده می شود و آن پسندیده
است .

۶ — امیرباید حلیم و برد بار باشد چه وی ممکن
است زشت بشنود و زبانها از قلب متألم نزدش
گویا شود و یا مردمی از جهالت باوی جفا کنند
در همه این حالات آنچه با امیر مناسب است حلم
و برد باری است .

۷ — امیر باید وفا بعهد و وعده داشته باشد البته این امر از اخلاق لازمه هر مسلمان و بالخاصه از دعاة و بالأخص از امراء و مسئولین می باشد چه این صفت باور و اعتماد را زیاد می کند برعکس عدم موجودیت آن فضاء را آلوده به شك و تردد ساخته ثقه و اعتماد را ضعیف می سازد .

۸ — امیر باید صابر، متحمل و شکیبا باشد از آنجائیکه راه دعوت راه پر خم و پیچ و جاده آن جاده پر خار است — مسئولیت های آن زیاد مشکلات بی پایان و عقبات و موانع و ابتلاات و امتحانات آن پیهم و متتابع است لذا همه منسوبین تحریک اسلامی و خاصتاً مسئولین که در رأس آنها امیر قرار دارد باید از صبر و حوصله، پشتکار و استمراریت در عمل و همت عالی و حکمت عملی خاص بهره مند باشند . « یا ایها الذین امنوا

استعينوا بالصبر والصلوة إن الله مع الصابرين
« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون »

۹- امیر باید از صفت عفو بحد زیاد بهرمند باشد
و بعضی از حکمای امت گفته اند که « خیر
مناقب الملوك العفو » بهترین صفت شاهان عفو
و گذشت است .

و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده است :

« إرحموا ترحموا واعفوا يعف عنكم » عفو امیر را نزد
خداوند جلت عظمت و نزد مخلوق وی محبوب میسازد .
البته عفو آنرا گویند که انسان از حق ثابت خود
با وجود قادر بودن بر انتقام - بگذرد . و چون امراء
و مسئولین را خداوند « ج » بر انتقام قدرت بخشیده
ازین رو توقع عفو به ارتباط امارت نسبت به حالات
عادی بیشتر است .



۱۰ — امیر باید رفیق و مشفق مهربان باشد .

حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم میفرماید :

« **إن شر الرعاء.. الحبث** » یعنی بدترین چوپانها
چوپان ظالم است و در جای دیگر حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وسلم — میفرماید « **إن الله رفيق**
يحب الرفق » یقیناً خداوند مهربان است
و مهربانی را دوست دارد و در جای دیگر میفرماید:
« **اللهم من ولی من أمر امتي شيئاً فشفق عليهم**
فاشفق عليه ومن ولی أمر امتي شيئاً فرفق بهم
فارفق به »

۱۱ — امیر باید نرمش و ملایمت داشته باشد — از
زشتی — کلفتی و بد خلقی اجتناب ورزد چه مردم
باید با محبت قلبی و رضاء و رغبت خاطر و ارتیاح
نفس بدور امیر جمع شوند .

و اگر چنین نباشد مردم از وی متنفر گردیده
و حیثیت محوری خود را از دست میدهد .

الله « ج » دکرورد پیغمبر صلی الله علیه وسلم —
میفرماید : « فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت
فظا غليظ القلب لا نفضوا من حولك » .

۱۲ — امیر باید از تثبت و تأنی کار گرفته — در کارها از
تصرفات عجولانه امتناع بورزد .

حضرت خداوند جلت عظمت میفرماید : « يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ
تَصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ — فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ
نَادِمِينَ »

حکمای امت میگویند : رستگاری نصیب
آنانیست که متعانی بوده — از عجله کار نمیگیرند
چنانچه گفته اند که تأنی و مکث کردن حصار
سلامتی — و عجله کلید ندامت است .

راستی هم باز گشت از کار انجام شده سودی ندارد — هر انسان با لحاظه امراء که بکارهای مهم و حیاتی مردم اشتغال دارند — نباید عجولانه حکم و قضاوت و اقدام نمایند . زیرا چنین امر اکثراً خرابی کار، ندامت و پشیمانی را در پی دارد .

۱۳ — امیر باید صادق، راستکار و راستگو باشد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم در حدیث مبارک که سلمان فارسی (رض) از وی روایت کرده است، چنین میفرماید « ثلاثة لا يدخلون الجنة: الشيخ الزاني والامام الكذاب والعائل المزهو » سه نفر است که به جنت داخل نمیشوند : پیرزنا کارپیشوای دروغگو و گدای متکبر .

آری صدق انسان را وزین و باوقار ساخته هیبت و قیمت او را در بین مردم زیاد می سازد و برعکس کذب و دروغ انسان را بی وزن و بی

اعتبار ساخته — همتش را در چشم مردم کم
و حیثیتش را پائین می آورد ورشتهٔ اعتماد و باور
آن با مردم ضعیف می‌گردد .

۱۴ — امیر باید در پهلوی عزم و توکل قاطعیت تام
داشته از دو دلی و تردد در امن باشد و امهراتمه که در
امور خویش قاطعیت نداشته باشند مردم فرصت
طلب و استفاده جو زمینه را برای خود مساعد دانسته
جرئت فساد و انحراف در آنها بیشتر می‌گردد .
و عدم قاطعیت امر ملت و رعیت را همیشه در فضای
حیرت و پیچیدگی های مجهول قرارداد زمینه را
برای تعبیرات و پیشگوئی های مختلف آماده می‌سازد -

۱۵ — امیر باید امین باشد این امانت ، امانت عام
و شامل است امیر امین مال ، جان ، دین ، ناموس
شرف و سلامت اهداف و مقامات ارضی ملت خود
است .

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ
وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ » اميريكه در حق ملت خود
خیانت میکند در ردیف غدارانیکه بیرق شان
معلوماتر است حشر میگردد .

۱۶ - امیر باید - پیمینی جهادی داشته باشد
باین معنی که بر علاوه داشتن روحیه عالی جهادی
باظروف ، اوضاع و مناسبات محیط بر جهاد آگاهی
داشته در مورد تعقیب امر جهاد و متوجه بودن به
نگهداشت و حراست نتایج و شمار آن از آگاهی تام
بهرمند باشد .

در تحلیل و تفسیر - اتخاذ مواقف و قائم کردن رای
و نظر تحت تاثیر سیاسیات کاذبانه و خداعانه متداول
روز نرفته فراست وزیر کی جهادی بر آن مسلط
باشد .

۱۷ — امیرباید از سرعت عمل و نشاط در کار بهرمنند باشد چه: وی حیثیت فونه و سرمشق را دارد و مردم سرعت و نشاط خود را در کار مطابق سرعت وی عیار میسازد علاوه بر آن اوقات ، نسبت به وجائب کم و یا بمعبارۀ دیگر حجم مسئولیت ها نسبت به چوکات اوقات و فرصت ها بیشتر بوده که این امر ما را وادار میسازد تا کارهای هرچه بیشتر را در فرصت هرچه کمتر انجام دهیم .

۱۸ — امیرباید بر کار خود تسلط داشته و در برابر مسئولیت های خویش شعور عجز و ناتوانی بروی غلبه نکند چه: این شعور نخستین علامهء شکست و عدم مؤفقیت است و علاوه بر آن تا انسان بر کار تسلط نداشته باشد امکان احکام — إِتْقَان و نِهْک انجام دادن آن قطعاً متصور نمی باشد .

۱۹ — امیر باید اهلیت تنظیم دهی را داشته باشد
یعنی از عهده این کار برآمده بتواند که کارهای
مربوط تنظیم را با در نظر داشت استفاده از اسالیب
بهتر ادامه و تربیه و ترتیب اتباع خود را بصورت
متناسب با مراعات تدرج در پهلوی هم دیگر قرار
داده و در روشنی ضوابط و قواعد معین ازجه آنها
جسد واحد متکامل بسازد و رو به مرفته افراد جامعه را
باشیوه خاص در اقطار و چوکات اصولی تنظیم
خویش انسجام بخشد.

۲۰ — امیر باید استعداد رهبری داشته باشد یعنی از
عهده توجیه — کنترل — بکار انداختن و نتیجه
گرفتن بصورت احسن برآمده و در جریان کار از ثقه
و محبوبیت مردم برخوردار بوده و پیروان خود را
بآسانی و درستی بسوی تحقق اهداف اسلامی تنظیم
سوق داده بتواند و از کفایات و اهلیت های مردم

خود استفادهء اعظمی کرده وحدت و یکپارچگی
پیروان خود را حفظ کرده بتواند .

۲۱ - امیرباید در داخل تنظیم با اشخاص
و گروهك های شخصی تمایل و انحياز نداشته باشد
چه: این امر حیثیت بزرگترین سند تشیت
و پراگندگی وحدت تنظیم را داشته، ثقه و اعتماد
عمومی را کم ساخته پایهٔ مرمی خود را در بین پیروان
از دست میدهد - البته این معنی امتناع از نوازش
و مکافات خوبکاران و نیکان تنظیم و پشتیبانی از
قضای حق و حکمیت عادلانه بین افراد تنظیم را
نخواهد داشت .

۲۲ - مهمتر از همه اینکه امیرباید از جمله
هواخواهان و طلاب آخرت بوده - قلبش از ریا
و حب جاه و مال و منصب خالی و عملش خالص
بوجه الله^ت باشد .



۲۳ - امیر باید سلامت صدر داشته - سینه
و دماغش همیشه در برابر اتباع و پیروانش پاك باشد
و این امر مستلزم آن است که بغیبت و غامت اجازه
ندهد - البته این امر معنی آنرا ندارد که امیر باید
بخاطر حفظ امنیت و مصالح عمومی ملت نیز از
استطلاع و کنترل و مراقبت دقیق کار نگیرد - چه
اینگونه امور از جمله ملتمزات امارت و ملك داری
و حکمرانی بحساب می رود .

۲۴ - امیر باید در همه امور از اعتدال اسلامی
بهترمند بوده از افراط و تفریط که منجر بمشکلات
و ناگواریها میگردد جداً خودداری نماید .

۲۵ - امیر باید انسان متشائم نبوده بلکه باید نسبت
به آینده خود امیدوار بوده و پیروان خود را نیز
امیدواری بدهد البته تفاؤل بیشتر از لزوم و بی
دلیل هم شائسته امیر نمی باشد .

وظایف و صلاحیت های امیر

وظایف و صلاحیت های امیر قرار ذیل است :

- ۱- قوماندانی اعلی جهاد در افغانستان .
- ۲- ریاست شوری های ارکان ، عالی و قیادی .
- ۳- تمثیل سیاست و خط مشی تنظیم (اتحاد اسلامی افغانستان) مطابق مقررات موضوعه .
- ۴- امضای فیصله به منظور تنفیذ و اعلان آن .
- ۵- امضای قراردادها و معاهدات بین المللی بعد از تصویب شورای عالی .
- ۶- اعلان صلح و جنگ بعد از فیصلهء شورای ارکان .
- ۷- پیشنهاد اعضای مجلس قیادی از بین شورای عالی به شورای عالی .
- ۸- پیشنهاد اعضای شورای عالی از بین اعضای شورای ارکان به شورای ارکان .

۹- منظوری معاونین امریت ها و مدیران عمومی
و مدیران ابتدائی .

۱۰- عزل و تبدیل مامورین پائین تر از اعضای
شورای کمیته ها .

۱۱- امیر اتحاد صلاحیت دارد ده فیصد از تمام
دارائی نقدی ، جنسی و نظامی تنظیم را توسط اوامر
فوق العاده نظربه ضرورت و لزوم دید از طریق
ارگانهای رسمی تنظیم اعطاء نماید البته مهمات
نظامی را الی پانزده فیصد نیز داده میتواند .

۱۲- انتقال برخی از صلاحیت های خود بامعاون
خود از صلاحیت امیر است .

۱۳- بخاطر اجرای امور معینه شخص و یا
اشخاص را از صلاحیت های خویش
برخوردار نمودن .

۱۴ - بعد از مشورهء رئیس ریاست مربوطه

پیشنهاد معاون ریاست رابه شورای عالی .

۱۵ - پیشنهاد آمریت ولایات به شورای عالی .

۱۶ - پیشنهاد رئیس واعضای شورای اجرائیه

حوزهء جنوب غرب به شورای عالی وشورای قیادی

۱۷ - تعیین عشراعضای شورای عالی به طریق

انتصاب از بین اعضای شورای ارکان .

تبصره :

الف - نائب امیر در صورت موجودیت امیر مساعد

وی بوده و در صورت غیاب او حائر صلاحیت های

امیر میباشد .

ب - در حالات اضطراری شورای عالی از

صلاحیت های شورای ارکان ، شورای قیادی از

صلاحیت های شورای عالی وامیر از صلاحیت های

شورای قیادی استفاده کرده میتواند بشرطیکه در

اولین مجلس آینده به ارتباط حالت اضطراری
و حجم آن و تصرفی که در مورد صورت گرفته به
مرجع ذیصلاح معلومات و قناعت بدهد .

وجائب امیر

- ۱- نگهبانی حرمت اسلامی ، اقامهء حدود
تنفیذ شریعت خداوند « ج » ، عدم اجازهء تجاوز
بر اصول ، مبادی ، شعائر ، مقررات ، ارزشها
و اخلاق اسلامی .
- ۲- مراقبت از تطبیق لوائح و مقررات موضوعه .
- ۳- مسئولیت در برابر شورای ارکان، شورای عالی
و شورای قیادی از عدم جریان امور مطابق به اصول
موضوعه .
- ۴- تمثیل فکر، نظر و خط مشی تنظیم مطابق
محتویات این اساس نامه .

۵- تقدیم راپور کار ماهانه شورای قیادی به شورای عالی و تقدیم راپور کار شش ماهه و شورای عالی به شورای ارکان .

۶- تقدیم گذارشات سیاسی مربوط به قضیه افغانستان و عالم اسلام وقتاً فوقتاً به شورای قیادی و شورای عالی .

مواد متفرقه

- ۱- مدت کار امیر اتحاد محدود نمی باشد .
- ۲- مدت کار شورای عالی و اجراییه مدت سه سال است .
- ۳- هر مقرر و که درلوائح و اصول سابقه و تنظیم با محتویات این اساس نامه مخالف باشد از اعتبار ساقط است .



۴ - هر تعديل و تغيير در اين اساس نامه بعد از
پيشنهادهای يك ثلث اصل اعضای شورای عالی
و تصویب دو ثلث اصل اعضای شورای مذکور
صورت میگیرد .



رساله

JQ

1769

A8

52 الف

1366

خپروونکی : د دعوت او ارشاد ریاست

د چاپ شمیر: ۱۰۰۰۰

طبع د افغانستان د اسلامی اتحاد مطبعه



بنیاد اندیشه
شماره ۱۳۹۲